

وبلاگ معلمان

اشاره

حمید حاجی اسماعیلی اردکانی معلم است و در شهر خود، اردکان، خدمت می‌کند. او وبلاگی دارد که فعال و به روز است؛ بر خلاف بسیاری از وبلاگ‌ها. اخیراً در تماسی که با مجله داشت، ضمن ستودن کار مجله در معرفی وبلاگ‌های معلمان، نشانی وبلاگ خود را نیز در اختیار ما قرار داد: yaali10.persianblog.ir با تشکر از آقای اسماعیلی، توجه شما را به مطالعه پاره‌ای از مطالب ایشان جلب می‌کنیم.

۸۹/۸/۱۹

به نام رب جلیل
سلام

خوب، مدرسه ما نامش اقبال است و امروز هم به همین مناسبت، جست‌وجویی در لغت‌نامه معین انجام دادم که معنای لغوی آن را به دست می‌داد؛ همان معنای بخت و شانس و طالع. اما ما یک اقبال دیگری هم داریم که لاهوری‌اش می‌نامند. اتفاقاً چندی پیش یادروز او بود. بنابراین با آرزوی خوش اقبالی شما،

۸۹/۸/۱۴

به نام رب جلیل
سلام

دیروز را می‌گویم، روز خوبی بود؛ شرکت در راه‌پیمایی کم‌نظیر دانش‌آموزان در یزد و بعد شرکت در کلاس زبان که جست‌وجویی نیکو در اینترنت در آن انجام شد و شرکت در کلاس تفسیر موضوعی و دادن توضیحات در مورد برهان حرکت و هدف آن اثبات ضرورت معاد. والله اعلم بما یصفون.

۸۹/۵/۱۲

به نام رب جلیل
سلام

روزهای سختی بود اول از همه پرشین بلاگ یعنی موضوع فروش آن و نگرانی از آن، بعدش هم استاد [محمد] نوری که عمری خاضعانه تلاش کرد. مردی که وطن را نفروخت و عشق را معنا کرد. یادگاری‌های او را می‌توانید از این‌جا بشنوید.



محمود سرفراز
معلم و فعال در آموزش‌های
دینی و قرآنی. تهران

در نیشابور متولد شده‌دوری ابتدایی را در زادگاه خود و بقیه تحصیلات خود را تا کسب مدرک دکترا از دانشکده الهیات، در تهران ادامه داد. وی به توصیه آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، به استخدام وزارت فرهنگ در آمد. سال‌هایی را در خرمشهر، آبادان و بیهقان خدمت کرد و بعد به تهران منتقل شد و طی سال‌های متمادی، به تشکیل کلاس‌های آموزش دینی و قرآن برای معلمان اهتمام ورزید و در این کار از همکاری‌های شهید مظفری، شهید بهشتی، شهید باهنر و مرحوم دکتر گلزاده غفوری، بسیار بهره برد. دکتر سرفراز مردی به راستی دانشمند بود. زبان فرانسه را بسیار خوب می‌دانست و در ادبیات فارسی و ادبیات عرب و معارف اسلامی استاد بود. در فلسفه شاگرد حکیم معروف، حاج میرزا مهدی آشتیانی بود. استاد یک بار پس از تصحیح اوراق امتحان اشارات ابن‌سینا، به سرفراز گفت: «خدا شاهد است، در این ۳۰-۲۰ سال که در مصر، بلخ، سمرقند، بخارا، کابل، عراق، و ایران تدریس کرده‌ام، تنها کسی که از من به اخذ نمره ۱۹ نایل گردید، تویی!»





۸۸/۱۲/۱۶

به نام رب جلیل سلام

مقاله زیر را بد نیست مطالعه ای کنید:
برای درختان

درختان همواره در زندگی بشر مؤثر بوده‌اند. قرن‌هاست که آدمی در سایه شاخسارشان از شدت گرما و تابش خورشید در امان مانده و از میوه‌های الوان و شیرینشان بهره‌مند گشته است. آوای پرندگان که در لابه‌لای شاخسارشان ماوا گزیده‌اند، روح و جانش را صفا بخشیده و قلب وی را مملو از خوشی و شادابی نموده است. در دل زمستان سرد نیز بار دیگر به مدد همیشه‌ای که از تنه درختان فراهم آورده و آتشی که از آن افروخته، سرما و یخبندان را تاب آورده و با آن‌ها دست و پنجه نرم کرده است. و بار دیگر این شکوفه‌های زیبای درختان‌اند که به او نوید فرا رسیدن بهاری دل‌انگیز را می‌دهند.

به این ترتیب، بهره‌مندی‌هایی که از درختان عاید بشر می‌گردد، بی‌شمار است و اگر درختان را نعمات الهی بدانیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. شاید به همین دلیل است که انسان‌هایی فرهیخته نظیر شعرا، بزرگان و استادان در زمینه ادبیات و نیز پیشوایان و بزرگان دینی، همواره آن را مدنظر قرار داده و بدان توجه نموده‌اند.

چنانچه سعیدی شاعر بزرگ ایرانی در این زمینه می‌گوید:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) و امام جعفر صادق (ع) در پاره‌ای از احادیث خود به اهمیت درخت و درخت‌کاری اشاره نموده‌اند:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

مَنْ نَصَبَ شَجَرَةً وَ صَبَرَ عَلَى حِفْظِهَا وَ الْقِيَامِ عَلَيْهَا حَتَّى تُثْمَرَ كَانَ لَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ يُصَابُ مِنْ ثَمَرِهَا صَدَقَةٌ عِنْدَ اللَّهِ: هر کس درختی بکارد و در نگه‌داری آن بکوشد تا میوه دهد، در برابر هر چه از آن میوه به دست آید، پاداشی نزد خدا خواهد داشت.

إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرِسَهَا، فَلْيَغْرِسْهَا: اگر قیامت فرا رسد و در دست یکی از شما نهالی باشد، چنانچه بتواند برنخیزد تا آن را بکارد، باید آن را بکارد.

مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ: هر که نهالی بکارد، خداوند به مقدار میوه‌ای که از آن درخت به دست می‌آید، در نامه اعمال او پاداش می‌نویسد.

امروزه با صنعتی شدن جوامع بشری، درختان نقش مهم‌تری در زندگی بشر ایفا می‌کنند. از سویی مقدمات پیشرفت بیشتر صنعت و فناوری را موجب می‌شوند و منابع تأمین‌کننده محصولات نظیر وسایل چوبی، مبلمان، لوازم التحریر (کاغذ، انواع مدادهای مختلف) الوار و هزاران محصول دیگر محسوب می‌شوند و از سوی دیگر به منزله ریه‌های یک شهر تلقی شده و نقش مهمی در

تأمین سلامت اعضای جامعه ایفا می‌کنند. این مورد اخیر از مورد قبل مهم‌تر می‌نماید.

در چنین شرایطی، مسئله‌ی درخت و درخت‌کاری راه‌حلی مناسب برای مبارزه با آلودگی‌های مذکور به شمار می‌آید. ایجاد جنگل‌های مصنوعی و فضای سبز در اطراف شهرهای بزرگ، به تأسیس کارخانجات تولید اکسیژن می‌ماند.

در همین راستا در ایران اسلامی که ملهم از تعالیم ادبی و دینی می‌باشد که خود دستاورد فرهنگ غنی اسلامی ایرانی است، روزی را به درخت و درخت‌کاری اختصاص داده و آن را روز درخت‌کاری نام نهاده‌اند. به این ترتیب، همه ساله در روز ۱۵ اسفند ماه که آخرین ماه فصل زمستان است، در حالی که همه ایرانیان خود را برای استقبال از روزهای پر طراوت بهاری آماده می‌کنند، نهال‌های جوان به دست خاک مهربان صبور و مقدس ایران اسلامی سپرده می‌شود تا به درختانی نیرومند و سرسبز بدل گردند. به این ترتیب، گامی در آبادی ایران اسلامی برداشته می‌شود و نیز امری خداپسندانه انجام می‌گیرد که وارستگی چون پیامبر گرامی اسلام و حضرت امام جعفر صادق (ع) آن را واجب الاجر دانسته‌اند.

۸۸/۱۰/۲۸

به نام رب جلیل سلام

و ما نیز مانده‌ایم بر کرانه حضور
و خدا را شکر که تا این حد نیز رفته‌ایم.
امیدواریم درست گفته باشیم.

اما خدایا:

ما به حقیقت ایمان داریم

و به عشق

و به بوی گل سرخ.

گل سرخ ما، نشان عاشقی را به ما داده است

و عشقش شوری دیگر افکنده است

و ما نیز...

۸۴/۷/۲۰

صبحدم از عرش می‌آمد خروشی، عشق گفت

قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می‌کنند

خواجه شمس الدین محمدبن محمد حافظ شیرازی، از بزرگ‌ترین شاعران نغزگوی ادبیات فارسی است. حافظ در اوایل قرن هشتم هجری، حدود سال ۷۲۷، در شیراز دیده به جهان گشود. پدرش بهاء‌الدین، بازرگان و مادرش اهل کازرون بود. پس از مرگ پدر، شمس الدین کوچک نزد مادرش ماند و در سنین نوجوانی به شغل نانوائی پرداخت. در همین دوران به کسب علم و دانش علاقه‌مند شد و به درس و مدرسه پرداخت. بعد از تحصیل علوم، زندگی او تغییر کرد و در جرگه طالبان علم درآمد و مجالس درس علمای بزرگ شیراز را درک کرد. او به تحقیق و مطالعه کتاب‌های بزرگان آن روزگار، از قبیل کشاف زمخشری، مطالع الانظار

قاضی بیضاوی و مفتاح العلوم سکاکی و امثال آن‌ها پرداخت. هم‌چنین در مجالس درس قوام‌الدین ابوالقیام عبدالله بن محمود بن حسن اصفهانی شیرازی نیز حضور داشت. حافظ هم‌چنان‌که از تخلص او برمی‌آید، قرآن را از حفظ داشت و به چهارده شکل (قرائات هفتگانه) می‌خواند. حافظ دارای زن و فرزندان بود. در غزلیاتش به مرگ یکی از فرزندان اشاره کرده است:

دلا دیدی که آن فرزانه فرزند
چه دید اندر خم این طاق رنگین؟
به جای لوح سیمین در کنارش
فلک بر سر نهادش لوح سیمین

حافظ به سفر علاقه‌ای نداشت و چون دل‌بستگی خاصی به شیراز داشت، تقریباً تا آخر عمر از شیراز خارج نشد و تنها یک‌بار به شهر یزد سفر کرد، ولی به خاطر ملالت از یزد و یزدیان به شیراز بازگشت:

دل از وحشت زندان سکندر بگرفت رخت بر بندم و تا
ملک سلیمان بروم

هم‌چنین به دعوت سلطان محمود دکنی راهی دکن شد، ولی در جزیره هرمز گرفتار طوفان گردید و به همین دلیل سفر خود را آغاز نکرده به پایان برد و به شیراز بازگشت. حافظ مردی بود ادیب، عالم به علوم ادبی و شرعی و آگاه از دقایق حکمی و حقایق عرفانی. استعداد خارق‌العاده او در تلفیق مضامین و آوردن صنایع گوناگون بیانی در غزل، او را سرآمد شاعران زمان خویش و حتی تمامی شاعران زبان فارسی کرده است. او بهترین غزلیات مولوی، سعدی، کمال، اوحدی، خواجو و سلمان را استقبال کرده است، اما دیوان او به قدری از بیت‌های بلند و غزلیات عالی و مضمون‌های نو پر است که این تقلیدها و تأثیرها در میان آن‌ها کم و ناچیز می‌نماید. علاوه بر این، مرتبه‌الای او در تفکر عالی، حکمی، عرفانی و قدرتی که در بیان آن‌ها به فصیح‌ترین و خوش‌آهنگ‌ترین عبارات داشته، وی را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین شاعران ایران قرار داده و دیوانش را مورد قبول خاص و عام ساخته است.

این نکته را نباید فراموش کرد که عهد حافظ با آخرین مراحل تحول زبان فارسی و فرهنگ اسلامی ایران مصادف بود. از این روی زبان و اندیشه او در مقایسه با استادان پیش از وی به ما نزدیک‌تر است و به این سبب است که ما حافظ را بیشتر از شاعران خراسان و عراق درک می‌کنیم و سخن او را بیشتر می‌پذیریم.

۸۸/۷/۶

به نام رب جلیل سلام

*چند روزی است به محل کار جدیدم رفته‌ام و خوش گذشته است.

انسان باید تحول را تجربه کند.

*امروز کلاس وبلاگ‌نویسی دارم. برایم دعا کنید بتوانم خوب بنویسم و بگویم.

*امروز تعطیل، اما کار تعطیل نیست.

یا حق

۸۸/۲/۸

به نام رب جلیل سلام

خوبید دوستان؟

شما احتمالاً این یادداشت مرا در طول روز می‌بینید، ولی به هر حال من اکنون می‌نویسم، همراه با همسر عزیزم،

در کنار رایانه‌ای که به تازگی خریداری کرده‌ایم و با اینترنت هوشمند اردکان.

این روزها شوق نوشتن بود، اما مجال آن نه.

شما را به خدا انصاف دهید دیگر...

اما بگذارید حالا که نوشتم، یک توصیه جدی به جوانان بکنم و آن هم

امر مقدس ازدواج است.

از آن غفلت نکنید.

این امر بزرگ اگر به موقع و سالم انجام شود، پله‌های ترقی را به روی

انسان می‌گشاید و راه را برای حضور در عرصه‌های نور هموار می‌کند.

دوستان عزیز مجرد بشتابند.

البته اگر بینی و بین الله، در خود توان ازدواج را می‌بینند.

۸۶/۷/۱

به نام او سلام دوستان

امروز یا بهتره بگم دیروز، خاطراتی را از زبون آقای نیک،

همراه آیت الله خاتمی (ره) دیدم و تا حدی ویراستاری کردم.

واقعاً زیبا بود و سرشار از سادگی.

ما این بزرگان رو از دست دادیم.... راست میگن که:

اذا مات العالم ثلم فی الاسلام ثلمه لایسدها شی

هنگامی که عالمی از دنیا رود در اسلام رخنه‌ای ایجاد می‌شود که چیزی آن را پر نمی‌کند

خدا رحمتشون کنه و راهشون رو پر رهرو.

اما روز قبل، روز عصای سفید هم بود.

چند روزیه که دو تا از بچه‌های نابینای اردکان رو با سواری همکارم می‌بریم یزد.

اگه بدونید اینا چه صفایی دارند!

راستی باید بدونیم که اینا دل‌سوزی لازم ندارند.

احترام و شخصیت دادن رو درک می‌کنند.

و باید مثل همه انسان‌ها زندگی کنند...

نزد همه بی‌بصیر شود خار و خجیل

وز کور دلی اسپر مانند در گل

بگریز ز تیـرگی و روشن دل باش

دانی چه بود تیـرگی ات، کوری دل

آری سعی کنیم روشن دل باشیم.

آمین



حمید فرزام
(۱۳۸۵ - ۱۳۰۲)

معلم، ادیب، استاد دانشگاه.

کرمان - تهران

در کرمان متولد شد. در شش سالگی پدرش را از دست داد. در همان شهر به مدرسه رفت و پس از دوره اول دبیرستان، به دانش‌سرای مقاماتی رفت. در دانش‌سرای مقاماتی دانش‌آموز ممتاز شد و اجازه یافت به دانش‌سرای عالی تهران برود. در تهران از محضر درس استادان برجسته‌ای مانند ملک‌الشعرا بهار، احمد بهمنیار، مدرس رضوی، عباس اقبال، ابراهیم پورداود، محمد کاظم عسار و علی‌اکبر سیاسی بهره برد و سرانجام با رتبه اول فارغ‌التحصیل شد. فرزام از سال ۱۳۲۴ به مدت ده سال دبیر دبیرستان شاهپور تجریش (آل احمد کنونی) بود و سپس به مدت هفت سال ریاست دبیرستان صفای شمیران را به عهده گرفت و این مدرسه را به بهترین وجه اصلاح کرد. پس از این، با درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی، به دانشگاه اصفهان منتقل شد و به استادی آن دانشگاه رسید. فرزام مردی عمیقاً معنوی و عارف بود. با عارف شهیر رجیبلی خیاط، حشرونشر داشت و شگفتی‌هایی از او دید. بعدها به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی در آمد و در همین سمت بود که درگذشت.